

پیر شدن جمعیت هشدار است برای جامعه ایرانی

جمعیت جهان رو به پیری می‌رود و جمعیت ایران نیز از این مساله مستثنی نیست. این مساله‌ی است که چند نفر از مسوولان دولتی، در آستانه روز جهانی سالمند از آن ابراز نگرانی کرده‌اند. پیر شدن جمعیت، کشور را با بحران مواجه خواهد کرد اما مقابله با آن هم چندان بی‌هزینه نخواهد بود. اما این افزایش سن، چه معضلاتی را با خود به همراه دارد؟

سن بیشتر، بهتر است یا بدتر؟ با نگاه علمی، نمی‌توان گذاره‌ها را به خوب یا بد تقسیم‌بندی کرد. تنها فعالیت ممکن و مفید، پیدا کردن روابط میان گذاره‌ها یا پدیده‌ها و قیاس کارکرد آنها با سایر گذاره‌ها یا پدیده‌هاست. بنابراین نباید برچسب خوب یا بد را به مساله کهنسالی چسباند. تنها می‌توان بررسی کرد که این پدیده، چه تاثیری بر اجتماع دارد و چه نیازهایی را ایجاد می‌کند و اگر نگاه ما، اقتصادی باشد، باید به محاسبه منافع و هزینه‌های این اثرات و نیازها پرداخت.

«بنابر آمار سازمان جهانی بهداشت، تعداد سالمندان بالای ۸۰ سال از تعداد کودکان زیر ۴ سال پیشی گرفت.» این یک واقعیت اجتماعی است که پریسا طاهری، رییس اداره سالمندان وزارت بهداشت، روز یکشنبه و در آستانه روز جهانی سالمندان اعلام کرد. به گزارش «تعادل» به نقل از ایسنا، وی همچنین گفت: «براساس اعلام سازمان بهداشت جهانی، سال ۲۰۱۵ حدود ۹۰۰ میلیون سالمند در جهان وجود خواهد داشت و پیش‌بینی می‌شود تعداد آنها در سال ۲۰۵۰ به ۲ میلیارد نفر یعنی ۲ برابر میزان فعلی برسد. در سال ۲۰۱۵، ۱۱ درصد جمعیت دنیا سالمند بودند و پیش‌بینی می‌شود که این تعداد در ۲۰۵۰ به ۲۲ درصد افزایش یابد و تعداد افراد ۸۰ سال به بالا به میزان ۴ برابر افزایش یابد. در حال حاضر تعداد افراد سالمند بالای ۸۰ سال از تعداد کودکان زیر ۴ سال پیشی گرفته و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ تعداد سالمندان از افراد زیر ۱۴ سال نیز بیشتر شود.»

این مساله بیانگر آن است که جمعیت جهان، رو به پیری می‌رود. این به آن معناست که نسبت افراد بالای ۶۵ سال، نسبت به کل جمعیت افزایش خواهد یافت؛ اما پیامدهای این رویداد چیست؟ و این پیامدها چه هزینه‌هایی خواهد داشت؟

جمعیت پیر می‌شود و اجتماع ناتوان

نخستین سوالی که بعد از شنیدن پیر شدن جمعیت به ذهن می‌رسد، به زبان ساده، این است که این مساله به نفع اجتماع است یا به ضرر آن؟ من این سوال را از یک جمعیت‌شناس می‌پرسم. محمدرولی علیی در جواب می‌گوید که دو دیدگاه در این مورد وجود دارد. دیدگاه اول این است که پیر شدن جمعیت، به نفع اقتصاد کشور است. چرا که این اتفاق به معنای کاهش نیاز به مسکن، آموزش و مراقبت‌های بهداشتی کودکانی و افزایش نیروی کار است؛ اما دیدگاه دوم، که نظر خود علیی نیز هست، این است که این اتفاق، در نهایت به یک بحران منجر خواهد شد. نگهداری از سالمندان، معضلی است که در آینده گریبان کشور را می‌گیرد؛ تا جایی که شاهد آن خواهیم بود که خانه سالمندان، از یک خدمت لوکس به خدمتی ضروری بدل خواهد شد.

به گفته این استاد جمعیت‌شناسی، نرخ رشد جمعیت در کشور ما ۱.۲۹ است و این به آن معناست که به ازای هر ۱۰۰۰ نفر، سالانه ۱۳ نفر به جمعیت کشور اضافه می‌شود. اما این نرخ رشد ناشی از کاهش مرگ و میر است، نه افزایش زاد و ولد و همین مساله به پیر شدن جمعیت دامن می‌زند. برای جلوگیری از پیر شدن جمعیت، باید هر زن در طول زندگی خود، ۲.۲ بچه به دنیا بیاورد یا به عبارت دیگر، به ازای هر ۲۰۰ زن، باید ۲۲۰ کودک در جامعه وجود داشته باشد. این رقم در ایران، در سال ۶۵، ۵.۶ و در سال ۹۴، ۱.۷ است. علی‌معتقد است که اثرات سوء این اتفاق، اکنون قابل مشاهده نیست، اما در نسل بعدی مشکل‌زا خواهد شد. همان‌گونه که افزایش جمعیت در دهه ۶۰، در آن دهه اثری منفی نداشت، اما در دهه‌های بعدی کشور را با بحران مواجه کرد.

شهر سالمندان را دوست ندارد

اما نگهداری از سالمندان، چگونه می‌تواند موجب ایجاد بحران در جامعه شود؟ برای یافتن پاسخ این سوال، سراغ یک جامعه‌شناس می‌روم. اردشیر گراوند به سوال من پاسخ می‌دهد و می‌گوید، اکنون به ازای هر دو نفری که به سن پیری می‌رسند، ۱.۲ فرزند وجود دارد و این به آن معناست که یک فرزند، باید مسوولیت نگهداری از ۲ سالمند را بپذیرد. این مساله باعث می‌شود تا نظام‌های حمایتی و تامین اجتماعی، در تامین زندگی سالمندان نقش پررنگ‌تری ایفا کنند و مشکل اینجاست که به نظر گراوند، سازمان تامین اجتماعی توانایی پذیرفتن چنین مسوولیتی را ندارند و بیمه‌ها نیز، اگر حمایت دولت را نداشته باشند، ورشکست خواهند شد. مشکل دیگر، این است که در ایران، نه نظام سلامت، نه نظام توانبخشی و نه نظام شهری، دوستدار معلولین، ناتوانان و سالمندان نیست. به طور مثال، مبلمان شهری و سامانه‌های حمل و نقل، هیچکدام برای استفاده راحت سالمندان طراحی نشده‌اند.

مسوولان هم نگرانند

پیر شدن جمعیت، مسوولان دولتی را هم نگران کرده و آنها را به واکنش واداشته است.

معاون بهداشت وزارت بهداشت در نشستی خبری که به مناسبت روز جهانی سالمند برگزار شده بود، از وجود بیش از ۶ میلیون سالمند در کشور خبر داد و بر لزوم گسترش خدمات سالمندی تاکید کرد. به گزارش «تعادل» به نقل از ایسنا، علی‌اکبر سیاری با بیان اینکه طبق آماري که از سرشماری‌های گذشته به دست آمده، بیش از ۶ میلیون سالمند در کشور داریم، گفت: «مطمئناً اکنون تعداد سالمندان کشور بیشتر شده است. سالی یک میلیون نفر به جمعیت کشور ما اضافه می‌شود، اما به علت رشد بالای جمعیت در دهه‌های ۵۰ و ۶۰، رشد سالمندی ما نسبت به کشورهای دیگر بالاست. در تحقیقی که در سال ۹۲ انجام شد، نشان داده شد که ۲۷ درصد سالمندان بیکار بوده و بدون حقوق بازنشستگی هستند. همچنین ۱۷ درصد آنها بدون هر گونه درآمد و حمایت مالی زندگی می‌کنند. ۳۲.۷ درصد از سالمندان از وضعیت اقتصادی خود رضایت دارند.»

مدیرکل سازمان بهزیستی استان تهران هم ضمن تاکید بر لزوم برنامه‌ریزی برای سالمندان در کشور گفت: «باید در پرداختی به سالمندان تجدیدنظر کنیم.» دکتر احمد دلبری گفت: «در سال ۱۳۴۵، ۱۰.۸ درصد سالمندان ما کهنسال بوده‌اند و اکنون این میزان به ۱۴.۹ درصد رسیده است. در حال حاضر ما شاهد زنانه شدن سالمندی هستیم، چرا که درصد سالمندان زن نسبت به قبل افزایش یافته است. در حال حاضر ۶۴ آسایشگاه شبانه‌روزی در تهران فعال است. این آسایشگاه‌ها ۴۵۰۰ سالمند را نگهداری می‌کند و از این تعداد ۹۰۰ نفر آنها مجهول‌الیه هستند بنابراین باید نگران این موضوع باشیم. در حال حاضر ۸۰۰۰ سالمند در تهران تحت حمایت ما هستند»

که ماهانه ۶۰ هزار تومان به آنها پرداخت می‌کنیم اما حجم نیاز در این حوزه بسیار زیاد است و سازمان‌های دولتی نمی‌توانند به تنهایی این بخش را حمایت کنند بنابراین خیرین و بخش خصوصی نیز باید در این زمینه کمک کنند. مسوولان باید برای این موضوع برنامه‌ریزی کنند و از الان به فکر سالمندان باشند. براساس آمار سال‌های گذشته در کشور ۷.۳ درصد سالمند وجود داشت و ۳۶ درصد تخت‌های بیمارستانی را سالمندان پر کرده بودند حال اگر این میزان افزایش یابد چه اتفاقی می‌افتد؟ بنابراین باید از هم‌اکنون برای سالمندان برنامه‌ریزی کنیم.»

پیر شدن جمعیت، هشدار است برای جامعه ایرانی. اما تنها خطری نیست که جامعه را تهدید می‌کند. نبود زیرساخت‌ها برای افزایش جمعیت و کمبود منابع ضروری مانند آب، از دیگر بحران‌هایی هستند که در کمین آینده ایرانند. انتخاب یک استراتژی مناسب برای آینده، دشوار به نظر می‌رسد. چراکه مقابله با هر کدام از این بحران‌ها، خود به ایجاد بحرانی دیگر خواهد انجامید.

منبع: سایت ایران اقتصاد